

[شأن نزول آیه «خذ من اموالهم صدقه» 1](#_Toc93999426)

[احتمال اول: صدقه برای تطهیر مخلّفین در داستان بنی قریظه یا تبوک 1](#_Toc93999427)

[احتمال دوم: تطبیق آیه بر زکات در روایت عبد الله بن سنان 2](#_Toc93999428)

[اختصاص آیه شریفه به بالغین بنابر هر دو احتمال 2](#_Toc93999429)

[اشتباه در تطبیق آیه زکات در روایت عبد الله بن سنان 3](#_Toc93999430)

[دلیل: نزول سوره توبه حدود سال نهم هجری 3](#_Toc93999431)

[نظارت آیه الزکاه در روایت عبد الله بن سنان به آیات سوره بقره 6](#_Toc93999432)

[ذکر زکات در آیات مکّی بدون امر 7](#_Toc93999433)

[اشکال: امر به زکات در سوره مکّیِ مزمّل 8](#_Toc93999434)

[پاسخ: مدنی بودن آیه مذکور 8](#_Toc93999435)

[احتمالات در معنای «خذ من اموالهم صدقه» 11](#_Toc93999436)

**موضوع**: اشتراط بلوغ در زکات /من تجب علیه الزکاه /زکات

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## شأن نزول آیه «خذ من اموالهم صدقه»

درباره آیه خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا صحبت می کردیم.

### احتمال اول: صدقه برای تطهیر مخلّفین در داستان بنی قریظه یا تبوک

در تفسیر علی بن ابراهیم می نویسد: این آیه در قضیه بنی قریظه و درباره ابی لبابه وارد شده است که در مجمع البیان نیز همین را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است. در عوالی اللئالی آیه را درباره «الثلاثه الذین خلّفوا» دانسته، نقل می کند:

أَنَّ الثَّلَاثَةَ الَّذِينَ تَخَلَّفُوا فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ لَمَّا نَزَلَ فِي حَقِّهِمْ: «وَ عَلَى الثَّلاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا» الْآيَةَ وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَالُوا: خُذْ مِنْ أَمْوَالِنَا صَدَقَةً يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ تَصَدَّقْ بِهَا وَ طَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أُمِرْتُ أَنْ آخُذَ مِنْ أَمْوَالِكُمْ شَيْئاً، فَنَزَلَ: «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً» فَأَخَذَ مِنْهُمُ الزَّكَاةَ الْمُقَرَّرَةَ شَرْعاً.[[1]](#footnote-1)

### احتمال دوم: تطبیق آیه بر زکات در روایت عبد الله بن سنان

اما عمده، روایت صحیح السندی از عبد الله بن سنان است که اولین روایت کتاب الزکاه، جامع الاحادیث است:

سند کافی به این شکل است: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع و در فقیه، روایت با این سند نقل شده است: رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏[[2]](#footnote-2)

 لَمَّا أُنْزِلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها وَ أُنْزِلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ فَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَفْرِضْ لِشَيْ‏ءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَ أَفْطَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَاتُكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عُمَّالَ الصَّدَقَةِ وَ عُمَّالَ الطَّسُوقِ.[[3]](#footnote-3)

«الطسوق» به معنای مالیات زمین است.

### اختصاص آیه شریفه به بالغین بنابر هر دو احتمال

بیان شد: ظهور خود آیه شریفه این است که ضمیر «اموالهم» در ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً ﴾به ﴿وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلاً صَالِحاً وَ آخَرَ سَيِّئاً عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيم﴾ٌ که در آیه قبل است، بازگشت می کند و مراد از تطهیر و تزکیه، نیز تطهیر و تزکیه از ذنب است. بنابراین شامل یتیم و مجنون نمی شود.

روایت عبد الله بن سنان شأن نزول دیگری برای آیه ذکر کرده و شأن نزول آن را اصل جعل زکات دانسته است. مطابق این شأن نزول نیز آیه ارتباطی به صغیر ندارد و در این روایت فقراتی بیان شده که با توجه به آن می توان آیه شریفه را اختصاص به بالغین داد:

1. بیان شده: «فرض علیکم الزکاه کما فرض علیکم الصلاه» که ظهور دارد که زکات عملی خارجی است که مانند صلاه بر عهده قرار داده شده است. پس ظهور در وجوب تکلیفی دارد و وجوب تکلیفی اختصاص به بالغین دارد و صغار تنها می توانند وجوب وضعی داشته باشند.
2. در ذیل نیز آمده است: «زکّوا اموالکم تقبل صلاتکم» که ظهور در صلاتی دارد که زمینه قبول و عدم را داشته باشد و شامل صغار نمی شود. به همین دلیل ظهور آن نمازهای واجب است و شمول آن نسبت به نماز مستحبی بعید است.
3. از طرف دیگر، «زکّوا اموالکم» به بالغین مخاطب است زیرا حتی اگر زکات در اموال صغار ثابت باشد، مخاطب به وجوب اداء زکات نیستند و بر فرض ثبوت زکات، مخاطب به پرداخت زکات یا اولیاء هستند یا خود صغار بعد از بلوغ و در حال صغر، مکلّف به اداء نیستند.

پس طبق این روایت، آیه شریفه درباره صغار و مجانین نیست.

### اشتباه در تطبیق آیه زکات در روایت عبد الله بن سنان

به نظر می رسد، در این روایت اشتباهی رخ داده است و مراد از آیه زکات، اساسا این آیه نبوده است.

#### دلیل: نزول سوره توبه حدود سال نهم هجری

در توضیح باید گفت: سوره توبه یا آخرین سوره ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است تا مائده آخرین سوره است و توبه سوره ما قبل آخر است. شاید از قرائن استفاده شود که توبه، سوره ما قبل آخر است.

از آیات سوره توبه نیز همین مطلب استفاده می شود که مربوط به سال های آخر است.

1. سوره توبه با این آیات شروع می شود:

بَراءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذينَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكينَ (1)

فَسيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكافِرينَ (2)

وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَري‏ءٌ مِنَ الْمُشْرِكينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذينَ كَفَرُوا بِعَذابٍ أَليمٍ (3)

چهار ماهی که در آیه دوم به کفار مهلت داده است، از دهم ذی الحجه سال نهم هجری تا دهم ربیع الثانی است که در روایات به این مطلب تصریح شده است. سال نزول برائت سال نهم هجری است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا ابوبکر را برای ابلاغ می فرستند و وحی می آید: «لا یبلغها الا انت او رجل منک»[[4]](#footnote-4) و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام که نازل منزله خودشان بود را می فرستند. این کار، به نحوی مقدمه چینی برای سال بعد و داستان غدیر و مراسم حجه الوداع است و از قبل سال دهم، برای آن آمادگی ایجاد می شده است.

1. در آیه 25 سوره توبه آمده است:

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ في‏ مَواطِنَ كَثيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرينَ (25)

داستان حنین دهم شوال سال هشتم اتفاق افتاده است و پیداست سوره بعد از داستان حنین نازل شده است.

1. در آیه 28 آمده است:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرامَ بَعْدَ عامِهِمْ هذا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شاءَ إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ حَكيمٌ (28)

«بعد عامهم هذا» نیز اشاره به داستان برائت دارد. در برخی از نقل ها آمده است که مراد از حج الاکبر، حج سال نهم است که جمعیت زیادی شرکت کردند و سالی بوده که هم مشرکین و هم مسلمین با هم حج انجام دادند. بعد از آن سال، قرب مشرکین به مسجد الحرام و ورود به مکه، ممنوع شد.

1. در آیه 107 آمده است:

وَ الَّذينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَ كُفْراً وَ تَفْريقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنينَ وَ إِرْصاداً لِمَنْ حارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنا إِلاَّ الْحُسْنى‏ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ (107)

داستان مسجد ضرار مربوط به داستان تبوک است که پیش از تبوک، درخواست افتتاح مسجد را داشتند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را به بعد از غزوه تبوک واگذار می کنند و بعد از آن نیز، آیه امر به تخریب می کند. غزوه تبوک در رجب و شعبان نهم هجری رخ داده است.

1. در آیه 118 آمده است:

وَ عَلَى الثَّلاثَةِ الَّذينَ خُلِّفُوا حَتَّى إِذا ضاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ وَ ضاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنْ لا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلاَّ إِلَيْهِ ثُمَّ تابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ (118)

مراد سه نفری است که از غزوه تبوک، تخلّف کردند و مربوط به رجب و شعبان سال نهم است.

تمام این موارد نشان می دهد که این آیات اواخر سال نهم هجری نازل شده است.

سوره مائده بعد از سوره توبه و در سال دهم نازل شده است. در آیه 67 سوره مائده آمده است:

يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرينَ (67)

این آیات مربوط به سال دهم است در حالی که آیات سوره توبه مربوط به سال نهم است. در برخی از روایات آمده که سوره مائده آخرین سوره ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شده است. در برخی دیگر از روایات وارد شده که سوره نصر، آخرین سوره است.[[5]](#footnote-5) جمع بین این دو نقل این است که سوره نصر، سوره کوتاهی است و حکم خاص و عمومی در آن نیامده است بر خلاف سوره مائده که احکام زیادی در آن آمده است. به همین دلیل آخرین سوره اصلی و مهمی که نازل شده، سوره مائده است.

به هر حال، سوره توبه جزء آخرین سوره هایی است که نازل شده است و مربوط به اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم است. در حالی که زکات سال دوم نازل شده است و آیات زیادی قبل از سوره توبه، درباره زکات نازل شده بوده است.

### نظارت آیه الزکاه در روایت عبد الله بن سنان به آیات سوره بقره

تعبیر «آیه الزکاه» که در روایت وارد شده نمی تواند ناظر به آیه سوره توبه باشد زیرا در این آیه، زکات وارد نشده و صدقه وارد شده است. همیچنین «ان الله فرض علیکم الزکاه کما فرض علیکم الصلاه» در این روایت، اشاره به آیاتی دارد که در کنار صلاه، به زکات امر شده است. اولین سوره ای که در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، سوره بقره است. در این سوره، آیات متعدّدی امر به نماز و زکات کرده است.

در آیه 43 سوره بقره وارد شده است:

وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعينَ (43)

در آیه 83 وارد شده است:

وَ إِذْ أَخَذْنا ميثاقَ بَني‏ إِسْرائيلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ ذِي الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلاَّ قَليلاً مِنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ (83)

ممکن است گفته شود این آیه درباره میثاق بنی اسرائیل است و ارتباطی به جعل زکات در حق مسلمین ندارد.

در آیه 110 آمده است:

وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ (110)

در آیه 177 می خوانیم:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِكَةِ وَ الْكِتابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمالَ عَلى‏ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكينَ وَ ابْنَ السَّبيلِ وَ السَّائِلينَ وَ فِي الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَى الزَّكاةَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرينَ فِي الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حينَ الْبَأْسِ أُولئِكَ الَّذينَ صَدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (177)

در آیه 277 آمده است:

إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ (277)

به نظر می رسد روایت عبد الله بن سنان ناظر به این آیات به خصوص آیه 43 و 110 که امر به اقامه صلاه و ایتاء زکات است و راوی آیه زکات را بر « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» تطبیق کرده است.

### ذکر زکات در آیات مکّی بدون امر

البته در آیات مکّی نیز ذکری از زکات است:

در برخی از سوره ها زکات ذکر شده است اما نه به صورت امر:

در آیه 3 سوره نمل که به ترتیب نزول سوره 48 است و آیه 4 سوره لقمان که به ترتیب نزول سوره 57 است، آمده است:

الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4)

در آیه امر به زکات نشده است. به همین دلیل می تواند مراد از آن، زکات مستحبی باشد که زکات به معنای صدقه مستحبی از ابتدا استحباب داشته است ولی به صورت فریضه واجب نبوده است. صرف اینکه در کنار نماز و یقین ذکر شده است، قرینه بر وجوب نیست زیرا آیه در مقام بیان مواردی است که موجب بالا رفتن مقام است حال برخی واجب باشد و برخی مستحب.

در آیه 7 سوره فصّلت که سوره 61 به ترتیب نزول است، آمده است:

الَّذينَ لا يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كافِرُونَ (7)

مراد از «الذین»، «المشرکین» است که در آیه قبل ذکر شده است. درباره مراد از زکات بحث است که آیا مراد از زکات انفاق مالی است یا مراد هر عمل صالحی است؟ در تفسیر جامع البیان طبری ج 24 ص 60 این اختلاف ذکر شده است. حتی اگر مراد، انفاق مالی باشد، فرّاء در معانی القرآن ج 3 ص 12 می نویسد:

و الزكاة فى هذا الموضع: أن قريشا كانت تطعم الحاج و تسقيهم، فحرموا ذلك من آمن بمحمد صلى اللّه عليه؛ فنزل هذا فيهم، ثم قال: و فيهم أعظم من هذا كفرهم بالآخرة

بنابراین نقل، قریش اطعام عمومی داشتند و مؤمنین را از آن محروم می کردند و «الذین لا یؤتون الزکاه» اشاره به آن دارد که ارتباطی به زکات واجب ندارد.

در آیه 4 سوره مؤمنون که سوره 74 به ترتیب نزول است، آمده است:

وَ الَّذينَ هُمْ لِلزَّكاةِ فاعِلُونَ (4)

درباره این آیه بحثی وجود دارد که مراد از زکات در این آیه چیست؟ در تفسیر کبیر طبرانی ج 4 ص 362 می نویسد:

قال ابن عبّاس: (يعني به الصّدقة الواجبة)، و قيل: معناه: و الذين هم للعمل الصالح فاعلون، و يدخل في هذا كلّ فعل يذكر به الإنسان و يحمد عليه، كما يقال: ما أعطى اللّه أحدا نعمة إلّا أوجب عليه فيها زكاة، فزكاة العلم نشره و تعليمه، و زكاة الجاه إعانة الملهوف.

البته ظاهرا زکات به معنای انفاق مالی است و موارد دیگر از باب تنزیل است گویا تمام آنها به نحوی انفاق مالی است و مثلا شخصی که علم خود را نشر می دهد، گویا مال خود را به دیگران عطاء می کند. پس زکات در معنای حقیقی به معنای اعطاء المال است ولی روشن نیست اعطاء المال، در این آیات اعطاء المال الواجب باشد. از روایات و قرائن دیگر استفاده می شود که وجوب زکات در مدینه و سال دوم هجری بوده است به این صورت که اولین تکلیف، صلاه بوده و پس از آن زکات واجب شده و سپس صوم واجب شده است.

از روایت عبد الله بن سنان برداشت می شود که در رمضان سال دوم هجری زکات واجب می شود و در رمضان سال سوم، روزه واجب شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رمضان سال دوم نیز روزه بودند و به عللی امکان عملیاتی کردن اخذ زکات نبوده است و به همین دلیل پس از یکسال و در رمضان سال سوم که مقداری از سال گذشته بوده است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عمّال صدقات را برای جمع کردن زکوات می فرستد.

#### اشکال: امر به زکات در سوره مکّیِ مزمّل

در هیچ یک از آیات مکّی که قرائت شد، امری وجود نداشت که توهّم شود در مکّه زکات واجب شده بود. تنها در آیه 20 سوره مزمّل که سوره ای مکّی است، وارد شده است:

وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَنا

##### پاسخ: مدنی بودن آیه مذکور

اما باید دقت داشت: الزاما تمام آیات یک سوره مکّی، مکّی نیست و می تواند مدنی باشد. هر چند سوره مزمّل مکّی است اما این آیه مدنی است. در سوره مزمّل دستوری وجود داشته که این آیه ناسخ دستوری است که در ابتدای سوره مزمّل وارد شده است. به همین دلیل منسوخ و ناسخ در کنار هم قرار گرفته تا نسخ روشن شود.

در توضیح باید گفت: در آیات ابتدایی سوره مزمّل آمده است:

يَأَيهُّا الْمُزَّمِّلُ(1) قُمِ الَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا(2) نصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِيلاً(3) أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْءَانَ تَرْتِيلاً(4)

«اللیل» اسم جنس جمعی است و با «اللیله» تفاوت دارد. «قم اللیل الا قلیلا» به این معناست که شب ها را به عبادت بپرداز الا شب های قلیلی. به این معنا که بر پیامبر ص تهجّد شبانه واجب بوده الا قلیلا که شاید جنگ یا بیماری و مانند آن باشد که امکان تهجّد در آن امکان نداشته است.

در این آیه اشکال شده که «نصفه او انقض من قلیلا» عطف بیان از «قلیلا» است و آیه بیان می کند: شب را فقط کمی از آن را به عبادت بپرداز و پس از آن نصف یا کمتر بیان شده است در حالی که نصف یا کمی کمتر، قلیلی از شب نیست. مثلا اگر شب 12 ساعت باشد، قلیل آن 2 ساعت می شود اما 6 ساعت یا کمی کمتر از 6 ساعت، قلیلی از شب نیست.

این اشکال ناشی از آن است که «نصفه او انقض منه قلیلا» را عطف بیان از «قلیلا» گرفته اند اما این مطلب صحیح نیست و «نصفه او انقص منه قلیلا» ظرف دیگری است. به این معنا که اولا: زمان تهجّد شب ها مگر برخی از شب هاست. ثانیا: زمان تهجّد نصف شب یا کمی کمتر از آن است. اسم جنس جمعی هم بر مفرد اطلاق می شود و هم بر جمع اطلاق می شود. پس یک اطلاق افرادی دارد که در سال قمری 354 یا 355 شب وجود دارد و یک اطلاق اجزائی دارد که هر شب، ساعاتی دارد. «نصفه او انقص منه قلیلا» تقیید اطلاق اجزائی است و «الا قلیلا» استثناء از اطلاق افرادی است.

در انتهای سوره آمده است:

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنىَ‏ مِن ثُلُثى الَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ

به احتمال زیاد مراد از «من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه» دو سوم و نصف و ثلث اجزاء شب است.

در ادامه آیه دارد:

وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ الَّيْلَ وَ النهَّارَ عَلِمَ أَن لَّن تحُصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكمُ‏ فَاقْرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْءَانِ

گفته شده: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و اصحاب ایشان موظف بودند که حدود نیمی از شب را به عبادت بپردازند و این وظیفه درباره شخص پیامبر ص باقی مانده است ولی درباره اصحاب پیامبر ص این حکم نسخ شده است.

در ادامه آیه آمده است:

عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكمُ مَّرْضىَ‏ وَ ءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فىِ الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ ءَاخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فىِ سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ

به این معنا که خداوند می داند برخی از شما بیمار هستید و برخی برای تجارت مسافرت می کنید و برخی در راه خدا قتال می کنید. در زمان گذشته به علت گرمی هوا، مسافرت های تجاری شبانه انجام می شده یا اگر روز سفر انجام می شده، توان بیدار بودن شب را نداشتند. در این آیه قتال مطرح شده است که قتال مربوط به آیات مدنی است. در المعجم فی فقه اللغه القرآن ج 2 ص 898 می نویسد:

و فيها ذكر القتال، و هو خاصّ بالتّشريع المدنيّ، و هذا دليل على أنّها نزلت المدينة؛ (علی القاعده بالمدینه صحیح است)

در ادامه آیه آمده است:

وَ أَقِيمُواْ الصَّلَوةَ وَ ءَاتُواْ الزَّكَوةَ وَ أَقْرِضُواْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكمُ مِّنْ خَيرْ تجَدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيرْا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمُ (20)

به این معنا که دیگر موظف به نماز شب نیستید و همان نماز و روزه را انجام دهید و قرض حسن را انجام دهید که ذکر قید «حسنا» اشاره به استحباب آن دارد. خداوند به خاطر سنگینی هایی که وجود داشته بر شما تخفیف قائل شده است و وجوب را از شما برداشته است و تنها بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی گذاشته است.

نکته دیگر آنکه معمولا آیات مدنی طولانی هستند و آیا مکّی کوتاه هستند. البته این مطلب دائمی نیست. عبدالعلی بازرگان این مطلب را به صورت امر دائمی تلقّی کرده و مطابق آن استنتاجاتی کرده است که صحیح نیست. اما بیان شد: نوعا آیات کوتاه مکّی است و آیات بلند مدنی است نه آنکه دائمی باشد. در همین سوره مزمّل، در 13 سطر 19 آیه آمده است و تقریبا هر آیه در دو سوم سطر. اما آیه 20 که آیه مورد بحث است، 7 سطر دارد و تقریبا 10 برابر آیات قبلی.

روشن است ساختار این آیه با ساختار بقیه آیات سوره متفاوت است هم مضمون آن متفاوت است و هم نقل های خارجی نیز بیان کرده اند که آیه آخر مدنی است. در ناسخ و منسوخ ابی عبید قاسم بن سلّام متوفّی 224 ص 256 و ناسخ و منسوخ نحّاس متوفی 338 ص 254، روایتی از ابن عباس نقل شده است:

عن ابن عباس في قوله: يا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ\* قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا\* نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا\* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا قال: لما قدم النبي- صلى اللّه عليه- المدينة نسختها إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنى‏ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ إلى آخر السورة.

هر چند آیه اول خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم است اما به الغای خصوصیت یا قرائنی دیگر، اصحاب پیامبر ص مأمور به تهجّد شبانه بوده اند. ناسخ بودن آیه آخر به همین صورت قابل تصویر است.

در نتیجه، هر چند سوره مزمّل مکّی است ولی این آیه مدنی است و در آیات مکّی، امر به زکات وجود ندارد و امر به زکات از سوره بقره که مدنی است، آغاز شده است. «آیه الزکاه» در روایت عبد الله بن سنان نیز ناظر به آیات سوره بقره است و عبد الله بن سنان به اشتباه، آیه زکات را بر «خذ من اموالهم صدقه» تطبیق کرده است در حالی که امام علیه السلام تنها آیه الزکاه فرموده و آیه را ذکر نکرده است.

### احتمالات در معنای «خذ من اموالهم صدقه»

درباره «خذ من اموالهم صدقه» دو احتمال است:

* در برخی از نقل ها آمده که وقتی اموال را نزد پیامبر ص بردند، حضرت ع بعد از نزول آیه، یک سوم اموال آنها را به عنوان صدقه گرفت. مطابق این نقل، مراد از صدقه در این آیه، صدقه مستحبی است که به درخواست آنها برای توبه انجام شده است.
* در برخی از نقل ها آمده است که پیامبر ص همان صدقه واجب را گرفتند و فرمودند: همان صدقه واجب، گناهان شما را می آمرزد و باعث تطهیر می شود.

روایتی در اینجا وارد شده که ممکن است توهّم شود این روایت متعیّن کننده یکی از این دو احتمال است. اما مفاد روایت ارتباطی به این دو احتمال ندارد. در صحیحه علی بن مهزیار وارد شده است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ قَرَأْتُ أَنَا كِتَابَهُ إِلَيْهِ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ

مراد از «الیه» در «کتب الیه ابو جعفر» نیازمند بحث است که در کتاب الخمس باید به آن پرداخت و بنده در جای خود درباره آن بحث کردم که وارد بحث از آن نمی شوم. می توانید به توضیح الاسناد المشکله مراجعه کنید.

در ادامه روایت آمده است:

قَالَ الَّذِي أَوْجَبْتُ فِي سَنَتِي هَذِهِ وَ هَذِهِ سَنَةُ عِشْرِينَ وَ مِائَتَيْنِ فَقَطْ لِمَعْنًى مِنَ الْمَعَانِي أَكْرَهُ تَفْسِيرَ الْمَعْنَى كُلِّهِ خَوْفاً مِنَ الِانْتِشَارِ وَ سَأُفَسِّرُ لَكَ بَعْضَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ مَوَالِيَّ أَسْأَلُ اللَّهَ صَلَاحَهُمْ أَوْ بَعْضَهُمْ قَصَّرُوا فِيمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ فَعَلِمْتُ ذَلِكَ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُطَهِّرَهُمْ وَ أُزَكِّيَهُمْ بِمَا فَعَلْتُ فِي عَامِي هَذَا مِنْ أَمْرِ الْخُمُسِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. الی آخره[[6]](#footnote-6)

آیه شریفه ربط مستقیم به فعل حضرت علیه السلام ندارد. حضرت ع در آن سال خمس مخصوصی فقط برای سال 220 قرار داده است. آیت الله والد می فرمود: سال 220 سالی است که امام جواد علیه السلام از دنیا رفته است و «اکره تفسیر المعنی کله خوفا من الانتشار» اشاره به شهادت ایشان در آن سال است. در آن سال خمس به صورت خاصی که در ادامه روایت توضیح داده شده، قرار داده شده است. حضرت علیه السلام می فرماید: به خاطر اینکه شما را تطهیر کنم، این کار را انجام دهم. ایشان در پاسخ به این سوال مقدّر که آیا امور مالی می تواند موجب تطهیر نفس شود؟ می فرماید: آیه شریفه بیان کرده است که صدقه موجب تطهیر نفس است و برای پاک کردن از گناه و آلودگی ها، از گناهکار صدقه می گیرند. پس روایت در مقام بیان این است که خمسی که در اینجا جعل شده، مصداق آیه است. پس حضرت علیه السلام به این جهات کاری ندارد که صدقه بیان شده در آیه، زکات واجب است یا مستحب و تنها در مقام بیان این نکته است که اعطاء مال می تواند مایه تطهیر نفس شود. در نتیجه، قرائت آیه قرآن توسط امام علیه السلام کمکی به فهم معنای آیه نمی کند و امام علیه السلام به صریح آیه که صدقه موجب تطهیر نفس می شود، استدلال کرده اند.

سوال: در ادامه روایت، مطلبی وجود دارد که نشان می دهد امام علیه السلام آیه را بر زکات تطبیق کردند. لَمْ أُوجِبْ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ وَ لَا أُوجِبُ عَلَيْهِمْ إِلَّا الزَّكَاةَ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَيْهِم‏

پاسخ: در این فقره تنها بیان شده که من غیر از خمس چیز دیگری به جز زکات را واجب نمی کنم. نه آنکه آیه شریفه درباره زکات است. امام علیه السلام می فرماید: به خاطر کوتاهی و تقصیر موالی من و تطهیر آنها خمس را واجب کردم و بیش از آن را واجب نمی کنم. در پاسخ به این سوال که خمس چگونه می تواند موجب تطهیر نفس شود، به آیه استدلال کرده است که در آیه، صدقه موجب تطهیر نفس قرار داده است. فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُطَهِّرَهُمْ وَ أُزَكِّيَهُمْ بِمَا فَعَلْتُ فِي عَامِي هَذَا مِنْ أَمْرِ الْخُمُسِ

سوال: در روایت وارد شده است: مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْإِمَامَ يَحْتَاجُ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَهُوَ كَافِرٌ إِنَّمَا النَّاسُ يَحْتَاجُونَ أَنْ يَقْبَلَ مِنْهُمُ الْإِمَامُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها.[[7]](#footnote-7)

پاسخ: درباره زکات این توهّم وجود نداشته زیرا مصرف زکات، خود پیامبر ص و امام علیه السلام نبوده است اما درباره خمس که مصرف آن خود پیامبر ص و امام ع است، این توهّم وجود آمده است که حضرات ع برای خودشان خمس جمع می کنند. روایات بیان می کند که هدف از خمس مانند زکات، تطهیر نفس انسان هاست.

در نتیجه، با توجه به این روایت نمی توان مراد از آیه شریفه «خذ من اموالهم صدقه» را تشخیص داد.

مرحوم آقای روحانی و پس از ایشان مرحوم آقای سید محمود هاشمی ادعا کردند، آیه عمومیت دارد و شامل یتیم نیز می شود. این بزرگواران به شأن نزول آیه، آیات قبل و بعد، کلام مفسّرین و روایات توجّهی نکردند که لطیف نیست. در جلسه آینده در این باره بحث خواهیم کرد.

1. تفسیر نور الثقلین؛ ج2، ص: 254 [↑](#footnote-ref-1)
2. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج2، ص13.](http://lib.eshia.ir/11021/2/13/) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص497.](http://lib.eshia.ir/11005/3/497/) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الأمالی، شیخ طوسی، ج، ص558.](http://lib.eshia.ir/27725//558/) در امالی اینگونه نقل شده است: وَ قَدْ سَارَ أَبُو بَكْرٍ بِالسُّورَةِ فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُ لَا يَبْلُغُهَا إِلَّا أَنْتَ أَوْ عَلِيٌّ إِنَّهُ مِنْكَ وَ أَنْتَ مِنْهُ [↑](#footnote-ref-4)
5. [عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج2، ص6.](http://lib.eshia.ir/86808/2/6/) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قَالَ الرِّضَا ع سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَوَّلَ سُورَةٍ نَزَلَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ وَ آخِرَ سُورَةٍ نَزَلَتْ إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْح‏ [↑](#footnote-ref-5)
6. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص141.](http://lib.eshia.ir/10083/4/141/) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج1، ص537.](http://lib.eshia.ir/11005/1/537/) [↑](#footnote-ref-7)